



انتشار ویراست تازه یکی از مهم ترین مراجع تاریخ مطبوعات ایران



ویراست جدید کتاب «روزنامه های ایران از آغاز تا سال ۱۳۲۹ ه‍.ق» گردآوری لویی یاسنت رابینو با ترجمه جعفر خمامی‌زاده در ۴۶۲ صفحه از سوی نشر «ایلیا» به‌چاپ‌رسید. کتاب، «روزنامه‌های ایران ازآغاز تا سال ۱۳۲۹ ه‍.ق» از مهم ترین مراجع تاریخ مطبوعات ایران است که توسط یاسنت لویی رابینو، سرکنسول دولت انگلیس در شهر رشت، در اوایل قرن بیستم گردآوری شد و سال ۱۲۹۰ خورشیدی برای نخستین بار توسط مطبعه «عروة‌اللوثقی» رشت منتشر شد. زنده‌یاد جعفر خمامی‌زاده مورخ، مترجم و پژوهشگر گیلانی نخستین بار این اثر را سال ۱۳۷۲ توسط انتشارات «اطلاعات» منتشر کرد که سال ۱۳۸۰ تجدیدچاپ شد. در ویراست جدید کتاب، برخی خطاهای چاپ‌های پیشین اصلاح شده و همچنین بیش از چهل لوگو از نشریاتی که شرح آن‌ها در این کتاب آمده و در اختیار زنده‌یاد خمامی‌زاده نبوده‌اند، به‌انتهای کتاب افزوده شده‌است. فهرست مطالب کتاب، یادداشت ناشر، «فهرست روزنامه‌ها»، نگاهی کوتاه به زندگی نامه رابینو، «مقدمه مؤلف»، «مقدمه ناشر متن فارسی فهرست روزنامه‌ها»، «مقدمه ناشر متن فرانسوی»، «پیش‌گفتار»، «روزنامه‌های ایران از آغاز تا سال ۱۳۲۹ ه‍.ق»، «فهرست منابع مورد استفاده»، «فهرست اعلام» و «نشانه‌ها، تعداد روزنامه‌هایی که در فهرست رابینو از آن‌ها یاد شده‌است. به ۲۲۳ مورد می‌رسد، اما اوارد براون در مقدمه کتاب خود «تاریخ ادبیات و مطبوعات ایران در دوره مشروطیت» می‌نویسد: «با توجه به فهرست رابینو، ۲۹ صفحه در فهرست من فراموش شده و حدود صد روزنامه هم در رساله رابینو ذکر نشده، ولی بقیه در هر دو آمده است». اما با جست‌وجویی در کتاب‌ها و مقالاتی که به کوشش عده‌ای از محققان و دانشمندان فراهم آمده است، تعداد نشریاتی که در این اثر از آن‌ها یاد می‌شود تا همان تاریخ، به ۴۰۰ نشریه می‌رسد و پراکندگی این تعداد روزنامه بر اساس شهرهایی که در آن‌ها انتشار می‌یافتند، به صورت جدولی در این کتاب آمده است.

مدرس‌ه شبانه در کتاب‌فروشی‌ها

اثر تازه میثم موسویان در حوزه کودک و نوجوان و در حال و هوای انقلاب به تازگی منتشر شد. «مدرسه شبانه»، داستان بچه‌های درس خوان نیست. داستان چهار دانش‌آموز تنبل و مردودی مدرسه شریعت است که آقای ناظم آن‌ها را درگیر یک ماجرای ساده می‌کند، جاسوسی از استاد، معلم معروف و انقلابی مدرسه، اما وقتی آن‌ها جاسوسی کردن را شروع می‌کنند پایشان به یک مدرسه دیگر بازمی‌شود. مدرسه شبانه و نگهبان عجیبش! حالا آن‌ها هستند و ماجرابی که باید به سرانجام برسانند. چه کسی از آن‌ها موفق می‌شود؟ غلام ورزشکار؟ سهیل بازیگر؟ عزیز بادب؟ فواد باحساس؟ یا نفر پنجم، ارسطوی عقل کل؟ سیدمیثم موسویان در جدیدترین اثر خود، به سراغ ژانر فانتزی رفته است و در کوران مبارزه علیه‌شاه «داستانی فانتزی-عرفانی خلق کرده است. این رمان را نشر «کتابستان» در ۳۱۲ صفحه و با قیمت ۱۵۵ هزار تومان روانه بازار نشر کرده است.



پایان داوری ششمین جشنواره رسانه‌ای ابوذر خراسان رضوی



مسئول سازمان بسیج رسانه خراسان رضوی با اعلام پایان داوری ششمین جشنواره رسانه‌ای خراسان رضوی، از افزایش ۵۷ درصدی تعداد شرکت‌کنندگان در این دوره نسبت به دوره قبل خبر داد. به گزارش روابط عمومی ششمین جشنواره ابوذر خراسان رضوی، مهدی شاد با اعلام این خبر افزود: همکاران رسانه‌ای استان از این رویداد رسانه‌ای بسیج رسانه خراسان رضوی جای تقدیر دارد. مسئول سازمان بسیج رسانه خراسان رضوی ادامه داد: این استقبال بی نظیر بیانگر اعتماد اهالی رسانه استان به این رویداد است که امیدواریم بیش از همیشه در خدمت تعالی جایگاه رسانه در استان گام بردارد. وی در ادامه گفت: برگزیدگان این جشنواره براساس رأی داوران انتخاب شده‌اند و در اختتامیه از آن‌ها تقدیر می‌شود.

زین قنبر

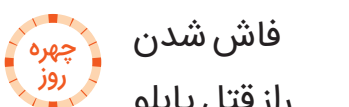
علیرضا حیدری |مدرس ویراستاری

🔴 **پیرو نکتهٔ روز گذشته، محک است! این پرسش مطرح شود که در حالت گفتاری نویسی (شکسته نویسی) واژه‌هایی مانند: موها و پید و صدا چگونه نوشته می‌شود. واژه‌هایی که به‌صداي آء پایانی می‌یابد، در گفتاری نویسی به این صورت نوشته می‌شود:**

- موها، موها،ت، موهاش، موها،مان /موها،مون، موها،تان /موها،تون، موها،شان /موها،شون**

#زین_قنبر_پارسى

فاش شدن راز قتل پابلو نرودا بعد از ۵۵سال!



نتایج مطالعات پزشکی قانونی «پابلونرودا» حاکی از وجودسم کلستریدیوم بوتولینوم در بدن این شاعر بنام پیش از مرگ در سال ۱۹۷۳ است. به گزارش ایسنا، یکی از قدیمی‌ترین اسرار تاریخ مدرن شیلی سرانجام پس از آنکه کارشناسان پزشکی قانونی تشخیص دادند «پابلو نرودا» شاعر شیلیایی برنده جایزه نوبل پس از مسموم شدن با یک سم قوی درگذشته، حل‌شد وظاهرا چندین دهه‌سوءظن درباره قتل او در نهایت تأیید شد. «پابلو نرودا» شاعر شیلیایی برنده نوبل که سال ۱۹۷۳ به مرگی مشکوک درگذشت،

در نشست «هنر بوم‌گرای انقلاب اسلامی» مطرح شد



سومین نشست‌از سلسله نشست‌های اندیشه‌ای «اقلیم هنر» با موضوع «هنر بوم‌گرای انقلاب اسلامی» با حضور دکتر علیرضا بلیغ و دکتر محمدجواد استادی در حوزه هنری مشهد برگزار شد. نخستین سؤالی که جبری برنامه از طرفین پرسید و بحث بر سر آن ادامه پیدا کرد این بود که «اساسا هنر انقلاب چیست و چه تعریفی می‌توانیم از آن بدهیم؟»

بررسی معیارها و چهارچوب هنری که بشود پسوند «انقلاب اسلامی» را بر آن گذاشت، موضوعی بود که مهمانان برنامه سعی در تشریح آن داشتند. بلیغ در بخش ابتدایی صحبت‌هایش به اهمیت فرم در تشخیص هنر انقلابی تأکید کرد و استادی هنر را ابزاری دانست که باید با آن گفتمان انقلاب را، که اسلام سیاسی است و برای تمام شئون زندگی شهروندان ایرانی برنامه دارد به درون جامعه برد. آنچه در ادامه می‌آید گزیده‌ای از این جلسه است.

- معیار تشخیص هنر انقلابی فرمش است**

بلیغ: اگر ما معیار را برای تشخیص اینکه چه هنری، هنر انقلاب است، فرم اثر هنری بدانیم و نه صرفا مضمون اولیه‌ای که ممکن است به آن پرداخته شود، طبعاً معیار تشخیص هنر انقلابی باید فرمش باشد. چون فرض کنید آثار بسیاری داریم که تلاش کردند به مضامین انقلابی بپردازند، ولی به اقتضانات فرم آن هنری که قرار است به مضمون بپردازد اشراف نداشته‌اند یا به درستی آن را به کار نگرفته‌اند. جنبه‌های مختلفی هم ممکن است داشته باشد، یک بخش آن به خاطر این است که شاید آشنایی ما با بعضی از هنرها آن قدر قوی نبوده یا اینکه مقداری مواجهه ما سهل انگارانه بوده است و فکر می‌کردیم به راحتی می‌توانیم هر هنری را در خدمت هر مضمونی بگیریم. این به آن معنی نیست که به راحتی از تجربه کردن ساخت اثر انقلابی در یک حوزه منصرف شویم، ولی باید متوجه این باشیم که این نیازمند یک فرایند، آزمون و خطا و جدی گرفتن آن تجربه‌ای است که از آن کار حاصل می‌شود. حالا نکته‌ای که شاید لازم باشد به آن اشاره کنیم، این است که این گونه نیست که همیشه آنچه ما نامش را هنر انقلابی می‌گذاریم، مصادف با یک رخداد سیاسی به معنایی که در انقلاب سال ۵۷ اتفاق افتاد باشد، چه پس این تحولات در مقاطع دیگری اتفاق بیفتد، اما به یک معنا انقلاب در خود آن حوزه از هنر باشد. حالا با انقلاب در نسبتش با سنت و فرهنگ و تاریخ آن کشور و

وضعیتی که در دوره معاصر خودش به سر می‌برد، جنبه مثبت و ارتقایی و استکمالی دارد یا می‌تواند یک جور تنزل و یک جور تجربه ناموفقی از ورود به آن حوزه باشد.

- ترویج اسلام‌رحمانی آسپب به اسلام سیاسی است**

استادی: ما در ایران دچار بحران معناشناختی و زبانی هستیم، یعنی در درک مفاهیم و دست پیدا کردن به یک تعاریف عملیاتی از یک سری از مفاهیم دچار مشکل هستیم. تا این بحران معناشناختی و زبانی برطرف نشود و به آن توجه نکنیم نمی‌توانیم از اعوجاج و درگیری و تشویش‌ها در حوزه‌های مفاهیم نسبتا انتزاعی اتفاق می‌افتد، رها شویم. همه بحث‌هایی هم که در طول این ۴۴ سال دارد درباره هنر اسلامی، هنر

سنت و فرهنگ و تاریخ آن کشور و

وضعیتی که در دوره معاصر خودش به سر می‌برد، جنبه مثبت و ارتقایی و استکمالی دارد یا می‌تواند یک جور تنزل و یک جور تجربه ناموفقی از ورود به آن حوزه باشد.



ساجد سنابادی انوشتن داستان و رمان تاریخی، دشواری‌ها و حساسیت‌های خاص خود را دارد، به‌ویژه اگر قرار باشد نویسنده به زندگی بزرگان دین و مذهب بپردازد. از این‌روست که پرداختن به شخصیت‌زندگان حضرت محمد(ص) به نوعی راه رفتن بر لبه تیغ است. داستان نویسی که می‌خواهد سیره و وجوه شخصیتی رسول خدا را با تمسک به ابزار هنر روایی به تصویر بکشد، باید تسلط در خوری بر تاریخ اسلام و فهم بایسته و شایسته‌ای از قرآن مجید و سنت و دانش‌های مربوط داشته باشد. او باید بتواند از میان روایت‌های فراوان تاریخی و دینی، درست‌ترین‌ها را برگزیند و به آن جامه داستان ببوشاند، حال آنکه دستیابی به صحیح‌ترین روایت هر موضوع، کاری است که پژوهشگران و تاریخ‌نگاران متخصص نیز گاه در آن درمی‌مانند! حتی پرداختن به شخصیت تاریخی‌ای که هیچ نسبتی با قداست و باورهای دینی ندارد، کار دشواری است و صاحب رمان و داستان نگاشته‌شده بر آن درمی‌محور، معمولاً کار شاقی در به تصویر کشیدن چهره او با روی اندک روایات درست محصور در پشته‌ای از نقل‌های نادرست فراوان دارد. حال داستان نویسی را در نظر بگیریم که سراغ محبوب‌ترین شخصیت تاریخ می‌رود که شمار بسیاری

سال هاست چهره مورد بحث محققان و پزشکان دنیا بوده است و پیش از این گروهی از کارشناسان بین‌المللی که روی پرونده او و نمونه‌های باقی‌مانده از جسد کار می‌کردند، نتیجه گرفتند که ابتلا به سرطان مطمئناً علت اصلی مرگ او نبوده است. این امر احتمال به قتل رسیدن چهره‌بزرگ ادبی را که از طرف‌داران «سالوادور آلنده»- رئیس جمهور آزادی‌خواه شیلی- هم بود، افزایش داد. نرودا دو هفته بعد از کودتای نظامی «پینوشه» که به‌سرنگونی دولت «سالوادور آلنده» منجر شد، در بیمارستانی در سانتیاگو درگذشت، اما برخی از جمله برادرزاده نرودا، «رودولفو ریس»، مدت‌ها بر این باور بودند

که او به دلیل مخالفتش با دیکتاتوری آغازین «اگوستوپینوشه» به قتل رسیده‌است. مرگ نرودا آن چنان بر حاشیه و مشکوک بود که ۱۰ سال پیش بنا بر اظهارات راننده شخصی او، دادگاه شیلی حکم نبش قبر او را صادر کرد و دانشمندانی از چندین کشور دنپاسه سال روی باقی‌مانده جسد او کار می‌کردند. نمونه‌هایی از جسد نرودا برای تجزیه و تحلیل به آزمایشگاه‌های پزشکی قانونی در چهار کشور فرستاده شد و سال ۲۰۱۵ دولت شیلی گفت که احتمال زیادی وجود دارد که شخص ثالثی

مسئول مرگ او باشد و دو سال بعد، تیمی از دانشمندان بین‌المللی گفتند که ۱۰۰٪ متقاعد شده‌اند» که این شاعر بر اثر سرطان پروستات فوت نکرده است. «رودولفو ریس» به تازگی اعلام کرده که آزمایش‌های علمی نشان داده که سم کلستریدیوم بوتولینوم در بدن عمویش هنگام مرگ وجود داشته است که نشان می‌دهد او واقعا پس از کودتا «مسموم» شده است. قرار است نتایج تحلیل کارشناسان در گزارشی منتشر شود.



برای شکوفایی هنر انقلاب نباید هنرهای دیگر را حذف کنیم



تازه‌ای گذاشته است، بعد به این فکر می‌کنند که آن جوهره اصلی این تفاوت چه بود. این ما را می‌برد به سمت مفهوم پردازی و اینکه بگوییم این مکتب تازه و یک سبک هنری تازه‌است. به نظر من درباره انقلاب -دست کم در دسته‌ای از هنرها- این اتفاق برای ما افتاده است. اگر انقلاب را به معنای تحول تاریخی و تمدنی نفهیم آن وقت ادامه پیدا کردن انقلاب اسلامی هم می‌تواند معنادار باشد. هنوز هم که از هنر انقلاب صحبت می‌کنیم می‌گویند فلان کار انقلابی است، چرا؟ چون رفته‌است درباره یک شخصیت انقلابی فیلم سینمایی ساخته، درباره یک مضمون یک کار موسیقایی ساخته‌است. آسپیی که ممکن است این کار به‌فضا بزنند این است که می‌تواند یک جور وضع

فرقای اپدید بیاورد. ● **هنر انقلابی باید اسلام سیاسی‌را ترویج کند** استادی: قطعاً هنر یک عنصر تمدنی است. وظیفه‌هنر این است که حکمت را عموماً کند. اگر در جمهوری اسلامی فقط به هنر انقلاب اسلامی بپردازیم کار درستی نیست. ما قبل از انقلاب هنرهایی داشتیم که به آن هنرهای سلطانی می‌گفتند. در صفویه و قاجار این هنر خیلی مهم بوده است. هنر سلطانی هنر است که پادشاه از آن حمایت می‌کرد، اما در کنارش پادشاه جلوی بقیه کارها را نمی‌گرفت و می‌گذاشت آن‌ها هم کار خودشان را بکنند. اگر بخواهیم هنر انقلاب تبلور داشته باشد و معنی ساز شود نباید دیگر هنرها را حذف کنیم. شما اگر از هنر انقلاب که همان هنر سلطانی است حمایت بکنید که هنر حاکمیتی بشود، حاکمیت رزمینه را برای رشد هنر انقلاب اسلامی فراهم می‌آورد، اما در کنار آن باید به دیگر هنرها هم اجازه بدهد که کار و رقابت کنند تا در کنار همه دیک توسعه پیدا کنند. شما می‌گویید مفهوم درخشانی داریم به نام هنر اسلامی. این را که نمی‌توانیم بگذاریم کنار و از صفر چیزی به نام هنر انقلاب اسلامی را شروع کنیم. دال مرکزی و معنایی انقلاب، اسلام سیاسی است. نیاز نیست آن را مستقیم به مردم بگوییم. اسلام سیاسی یک مفهوم است. این گفتمان باید به شکل غیرمستقیم ترویج شود و این کار هنر است.

● **هنر انقلابی باید اسلام سیاسی‌را ترویج کند** استادی: قطعاً هنر یک عنصر تمدنی است. وظیفه‌هنر این است که حکمت را عموماً کند. اگر در جمهوری اسلامی فقط به هنر انقلاب اسلامی بپردازیم کار درستی نیست. ما قبل از انقلاب هنرهایی داشتیم که به آن هنرهای سلطانی می‌گفتند. در صفویه و قاجار این هنر خیلی مهم بوده است. هنر سلطانی هنر است که پادشاه از آن حمایت می‌کرد، اما در کنارش پادشاه جلوی بقیه کارها را نمی‌گرفت و می‌گذاشت آن‌ها هم کار خودشان را بکنند. اگر بخواهیم هنر انقلاب تبلور داشته باشد و

معنی ساز شود نباید دیگر هنرها را حذف کنیم. شما اگر از هنر انقلاب که همان هنر سلطانی است حمایت بکنید که هنر حاکمیتی بشود، حاکمیت رزمینه را برای رشد هنر انقلاب اسلامی فراهم می‌آورد، اما در کنار آن باید به دیگر هنرها هم اجازه بدهد که کار و رقابت کنند تا در کنار همه دیک توسعه پیدا کنند. شما می‌گویید مفهوم درخشانی داریم به نام هنر اسلامی. این را که نمی‌توانیم بگذاریم کنار و از صفر چیزی به نام هنر انقلاب اسلامی را شروع کنیم. دال مرکزی و معنایی انقلاب، اسلام سیاسی است. نیاز نیست آن را مستقیم به مردم بگوییم. اسلام سیاسی یک مفهوم است. این گفتمان باید به شکل غیرمستقیم ترویج شود و این کار هنر است.

● **هنر انقلابی باید اسلام سیاسی‌را ترویج کند** استادی: قطعاً هنر یک عنصر تمدنی است. وظیفه‌هنر این است که حکمت را عموماً کند. اگر در جمهوری اسلامی فقط به هنر انقلاب اسلامی بپردازیم کار درستی نیست. ما قبل از انقلاب هنرهایی داشتیم که به آن هنرهای سلطانی می‌گفتند. در صفویه و قاجار این هنر خیلی مهم بوده است. هنر سلطانی هنر است که پادشاه از آن حمایت می‌کرد، اما در کنارش پادشاه جلوی بقیه کارها را نمی‌گرفت و می‌گذاشت آن‌ها هم کار خودشان را بکنند. اگر بخواهیم هنر انقلاب تبلور داشته باشد و معنی ساز شود نباید دیگر هنرها را حذف کنیم. شما اگر از هنر انقلاب که همان هنر سلطانی است حمایت بکنید که هنر حاکمیتی بشود، حاکمیت رزمینه را برای رشد هنر انقلاب اسلامی فراهم می‌آورد، اما در کنار آن باید به دیگر هنرها هم اجازه بدهد که کار و رقابت کنند تا در کنار همه دیک توسعه پیدا کنند. شما می‌گویید مفهوم درخشانی داریم به نام هنر اسلامی. این را که نمی‌توانیم بگذاریم کنار و از صفر چیزی به نام هنر انقلاب اسلامی را شروع کنیم. دال مرکزی و معنایی انقلاب، اسلام سیاسی است. نیاز نیست آن را مستقیم به مردم بگوییم. اسلام سیاسی یک مفهوم است. این گفتمان باید به شکل غیرمستقیم ترویج شود و این کار هنر است.

● **هنر انقلابی باید اسلام سیاسی‌را ترویج کند** استادی: قطعاً هنر یک عنصر تمدنی است. وظیفه‌هنر این است که حکمت را عموماً کند. اگر در جمهوری اسلامی فقط به هنر انقلاب اسلامی بپردازیم کار درستی نیست. ما قبل از انقلاب هنرهایی داشتیم که به آن هنرهای سلطانی می‌گفتند. در صفویه و قاجار این هنر خیلی مهم بوده است. هنر سلطانی هنر است که پادشاه از آن حمایت می‌کرد، اما در کنارش پادشاه جلوی بقیه کارها را نمی‌گرفت و می‌گذاشت آن‌ها هم کار خودشان را بکنند. اگر بخواهیم هنر انقلاب تبلور داشته باشد و

معنی ساز شود نباید دیگر هنرها را حذف کنیم. شما اگر از هنر انقلاب که همان هنر سلطانی است حمایت بکنید که هنر حاکمیتی بشود، حاکمیت رزمینه را برای رشد هنر انقلاب اسلامی فراهم می‌آورد، اما در کنار آن باید به دیگر هنرها هم اجازه بدهد که کار و رقابت کنند تا در کنار همه دیک توسعه پیدا کنند. شما می‌گویید مفهوم درخشانی داریم به نام هنر اسلامی. این را که نمی‌توانیم بگذاریم کنار و از صفر چیزی به نام هنر انقلاب اسلامی را شروع کنیم. دال مرکزی و معنایی انقلاب، اسلام سیاسی است. نیاز نیست آن را مستقیم به مردم بگوییم. اسلام سیاسی یک مفهوم است. این گفتمان باید به شکل غیرمستقیم ترویج شود و این کار هنر است.

در ماندگی داستان نویس، آنگاه که قهرمان بزرگ‌ترین معصوم است

برای نمونه، در داستان نویسی مقوله همذات‌پنداری را داریم، اینکه خواننده بتواند هر چه بیشتر احساسات و عواطف و آلام و آمال شخصیت داستان را درک و فهم کند و با او همراه شود و هنگامی که قهرمان داستان متصف به ویژگی معصومیت باشد و جمعیت بزرگی از مردم ربع مسکون او را بری از هر خطا و گناهی بدانند، اساساً نزدیک شدن به اوشدنی نیست. کار کدام انسان معمولی -ولو نخبه و نویسنده- است پشت‌سر گذاشتن مرزهای خصایل معمول انسانی و قرب به جایگاه فراانسانی مخلوق مقدسی که آخرین پیامبر خداست؟ علاوه بر توجه به جایگاه حضرت، نویسنده برای شکل دادن به گفت‌وگوها چه خواهد کرد؟ گیریم بخشی از نقل‌قول‌ها را از روایات موقت برداشت کند، اما آیا این‌ها برای پیشبرد داستان و رمان کافی است؟ بعید است به اتکای صرف منابع بتوان دیالوگ‌هایی برای داستانی با محوریت سیره و شخصیت پیامبر(ص) یا دیگر معصومان نوشت که به عنوان متن ادبی هم ارزش والا داشته باشد. اینجااست که نویسنده چنین آثاری، احتمالاً ناگزیر می‌شود از اعترافی دردناک: بعید است بتوان با قالب‌های ادبی رمان و داستان، حق مطلب را درباره بزرگ‌ترین و محبوب‌ترین معصوم تاریخ، حضرت محمد مصطفی(ص) ادا کرد.

را چنان غش‌دار کرده‌اند که مورخ و داستان‌نویس در مواجهه با آنچه این‌ها نقل کرده‌اند باید اصل و بنا را بر دروغ بودنش بگذارند مگر آنکه خلافتش ثابت شود! نویسنده -به‌ویژه وقتی بخواهد برای مسلمانان بنویسد -اگر اهل سنت باشد می‌داند که علمای مذهب او در بسیاری موارد اتفاق نظر ندارند و اگر شیعه باشد نیز با همین مسئله رویه‌روست. وقتی کار به منابع مستشرقان و غیرمسلمین می‌رسد، شاید بی‌احتیاطی مورخ به اوج می‌رسد. ممکن است اختلاف دیدگاه منابع شیعه‌و سنی درباره زادروز پیامبر(ص) تأثیر چندانی در اثر ادبی آفریده‌شده نگذارد، اما باور به اینکه حضرت عبدالمطلب به این چنین و حضرت ابوطالب مسلمان از دنیا رفته باشد بی شک متفاوت از تأثیر آرایبی است که خلاف این امر القا می‌کند. یا اینکه نخستین ایمان آوردندگان به اسلام، حضرت علی(ع) و حضرت خدیجه(ص) باشند در جهت‌گیری داستان می‌تواند نقشی متمایز داشته باشد از باور به تقدم دیگران. واگرمجه‌لا عروج رسول... (ص) (رواف‌ت‌بانیم‌یا شهادت، نقش‌تعین‌کننده‌ای در پردازش و پرورش داستان‌ما ایفا نکند، نگارنده این مطلب تمام این باورها را در رویکرد نویسنده اثرگذار می‌داند. از راستی و ناراستی تاریخ که بگذریم، بحث‌های ادبی به میان کشیده می‌شود.

از جمعیت جهان‌گروندگان اویند و نسبت دادن روایت غلط به او ممکن است پیامدهای جبران‌ناپذیری داشته باشد! بر نویسنده چنین آثار داستانی‌ای بایسته است در ظلمات ناگزیر، دانه‌های واقعی تسبیح گسسته‌حقایق را از خیل انبوه سنگ‌ریزه‌های روایات بشناسد و بیرون بکشد! دشواری مضاعف داستان نوشتن درباره خاتم پیامبران این است که ایشان شاید تنها پیامبری باشند که در منابع تاریخی هم حضور پررنگ دارند (این حضور را مقایسه کنید با حضور حضرت موسی(ع) و حضرت عیسی(ع) که نقش اصلی ارائه روایات مرتبط با ایشان بر عهده‌متون مقدس است یا آشور زشت که جز سروده‌های اومنیع قطعی موقتی در اختیار پژوهشگران از ننگ‌های (نیست) و به همین سبب، منابع خیالی مانند قصه‌ها و اساطیر ارزش تحقیقی کمتری در این‌باره پیدای می‌کند. بنابراین دست‌ودل نویسنده در پردازش تخیلی ماجراهای مربوط به حضرت خواهد لرزید. به یاد داشته باشیم که احادیث و روایت‌های جعلی درباره معصومان فراوان است و حتی گاه از میان آن، حکایت‌های هولناک چون افسانه غرائق سر بر می‌آورد که دست‌مايه اسلام‌ستیزی می‌شود. شیادانی از خیل کعب‌الاجبارها که آگاهانه و عمدانه دست به جعل و تحریف وقایع می‌زدند از یک طرف و مؤلفان ناآگاه به قرآن و سنت از طرف دیگر، عرصه‌پژوهش